خطر سبز: مسئله خوزستان و «اتحاد عرب»

افشار، ایرج

غیر از خطر زرد که وحدت ملی ما را تهدید میکند خطر دیگری‏ نیز در کمین ملیت ایران است که عبارت از خطر عرب باشد.ما از ترس‏ اینکه یک فتنهء خوابیده را بیدار کرده باشیم دم از ان نمیزدیم،ولی چون‏ عربها این مسئله را در جراید خود علنی کرده‏اند دیگر علت ندارد که‏ خودداری کنیم.پس لازم است ملتفت خطرهائی که متوجه ماست باشیم. عربهای همسایه بعد از قرنها اسارت زیر چکمهء عثماین حال که بعقیدهء خود ازاد شده و نیمه استقلالی پیدا کرده‏اند ولی فیا لحقیقه در زیر اطاعت و اوامر انگلیس هستند خطر قابل اعتنائی برای ایندهء ما شده‏اند که ما آنرا بخطر سبز تعبیر مینمائیم.اگر چه بواسطهء ایران دوستی،وطن‏پرستی و حسن اخلاق‏ ملی آذربایجانیان تحریکات و تبلیغات خارجی در آنها اثری ندارد و شاید بیش از اهالی سایر نقاط ایران آنها متنفر از تبلیغات شوم عثمانیها باشند ولی‏ شیخ محمره آن اخلاق متین ملی را نداشت که در مقابل تحریکات خارجی‏ فریفته نشود.پس ملاحظه میکنید خطریکه از این سمت متتوجهء بایران‏ است بفرض اینکه از حیث فشار و قوهء جاذبهء خارجی هم کمتر باشد از جهت‏ مجذوب شدن داخلی زیادتر است.

اینک ما ذیلا خطر سبز یا سیاست«پان عربیسم»را تشریح میکنیم: در زمان جنک بین‏المللی موقعی که عربهای حجاز و عرب زبانهای‏ سوریه عملا یا اخلاقا بر خلاق عثمانی قیام کرده بودند دول ذی علاقهء اروپائی یعنی انگلیس و فرانسه نقشه‏هائی کشیده و وعده‏هائی بآنها میدادند. مخصوصا انگلیسها در نظر داشتند در تحت حمایت خود یک امپراطوری عرب بنام خانوادهء شریف مکه ایجاد نمایند.این امپراطوری میبایست در حقیقت شامل تمام ممالک و ملل عرب‏نژاد و عرب زبان آسیا که عبارت‏ باشد از شامات،فلسطین،حجاز،بین‏النهرین و سایر نقاط شبه جزیرهء عربستان بشود.میخواستند خلافت را نیز از خانوادهء سلاطین عثمانی‏ منتزع نموده بخانوادهء شریفی منتقل نمایند.در اینصورت دمشق پایتخت‏ و مرکز سیاسی امپراطوری عرب و مکه دار الخلافهء اسلام میشد.در اجرای این نقشهء شریف حسین سلطان حجاز گردید و پسرانش امیر فیصل‏ و امیر عبد اللّه در دمشق و ماورای اردن مستقر شدند.مخصوصا امیر فیصل در سال 1920 در دمشق اعلان سلطنت سوریه داد...سیاست«اتحاد اعراب»دولت انگلیس و ایمر فیصل مخالف با منافع فرانسویان بود.اینها میخواستند سوریه را که از پیش در زیر نفوذ اخلاقی و معنوی خود داشتند کاملا در تحت‏ حمایت سیاسی خود درآوردند.این بود که با امیر فیصل که دست‏نشانده انگلیسها بود مخالفت نموده و او را از سوریه بیرون کردند.بعد از شکست امیر مذکور بانگلستان رفت،از انجا انگلیسها او را به بین‏النهرین فرستاده‏ ملک عراق عرب نمودند(1921)فرانسویها رسما عدم رضایت خود را حتی با سلطنت فیصل بر مملکت دجله و فرات بانگلیسها اظهار داشتند، اما سودی نبخشید.از همان وقتیکه او با مستشاری(کلنل لارنس) انگلیسی از طرف پدرش سلطان حسین شریف مکه در کنفرانس صلح‏ پاریس سمت نمایندگی داشت فرانسویها طرفدار واقعی انگلستانش شناخته‏ سیاستش را مخالف مصالح خویش میدانستند.بهرحال امیر فیصل بسلطنت‏ عراق عرب باقی ماند،اما سوریه را فرانسویها قبضه کردند.

\*\*\* شکست سیاسی«پان عربیسم»در سوریه و استقرار فیصل در بین‏النهرین‏ از دو سو باعث شد که طرفداران و مبلغین«اتحاد عرب»بیشتر متوجه بسمت مشرق یعین خوزستان و خلیج‏فارس گردیدند.در این ایالت که‏ در قدیم یکی از مراکز تمدن ایران بود بواسطه همسایگی با نواحی عرب‏ نشین و پناه دادن بطوائف عرب مهاجر یک عده از سکنه بزبان تازی‏ تکلم میکنند.عربها این مسئله عارضی را بهانه کرده و ادعا دارند این قطعه‏ ایران عرب است و آنجا را عربستان ایران میخوانند-همچنانکه ترکها هم با یک همچو مغالطه‏کاری مدعیند که اذربایجان ترک میباشد!

اگر خوانندگان محترم بخاطر بیاورند چند سال پیش هنگامیکه‏ یک دسته کوچک از قوای نظامی ما رهسپار خوزستان شد جرائد نوزاد بغداد آهنگهای مخالفت آغاز کرده بدولت و ملت ایران ناسزا گفتند مثل‏ اینکه ما بخاک عرب تجاوز کرده باشیم.باز موقع طغیان و عصیان شیخ خزعل تجدید مطلع کرده زمزمه‏های شوم ساز نمودند.و اگر این قضیه در یکی از نقاط مرکزی‏ مملکت مثلا در فارس یا اصفهان روی داده بود،به تحریک هر دولت خارجی یا بدست هر جمعیت داخلی فرض میشد،ما آنرا خطرناک نپنداشته و همینکه‏ قوای اشرار شکست میخورد و تسلیم میشد فتنه را خاموش و غائله را ختم شده میدانستم.اما در مورد خوزستان و شیخ خزعل ما را این عقیده نیست. سیاست«اتحاد عرب»یک خطر دائمی است که مملکت ما را از سمت‏ جنوب تهدید مینماید و باید در برابر آن چاره اساسی اندیشید که عبارت‏ از ترویج معارف ملی درخوزستان باشد.متسافانه در یک جریده نمیتوان‏ تمام مطالب را گفت زیرا افشاء پاره‏ای حقایق همانطور که ممکن است‏ متضمن فوائدی برای مملکت باشد محتمل است که مضاری نیز داشته‏ باشد،ولی از طرف دیگر باید تا انجا که ضرر سیاسی ندارد افکار عمومی را روشن نمود.